

کارکرد کلامی تقابل واژگانی در زبان فارسی

علی رضاقلی فامیان^۱

دانشگاه پیام نور

چکیده

کارکرد کلامی تقابل واژگانی برای نخستین بار در قالب انگاره نظری جونز (۲۰۰۲) مورد بررسی قرار گرفت، و هفت طبقه اصلی شامل کمکی، همپایه، ممیز، انتقالی، منفی، تفضیلی، و اصطلاح معرفی گردید. نگارنده مقاله حاضر کوشیده است، با تکیه بر طبقه‌بندی مذکور، برای نخستین بار و بر پایه رهیافتی پیکره-بنیاد، نقش و کارکرد کلامی تقابل را در پیکره‌ای طبیعی از زبان فارسی ارزیابی کند. به این منظور ۱۰۰۰ جمله شامل جفت‌واژه‌های متقابل از ۱۶ متن مکتوب فارسی استخراج شد و نوع کارکرد کلامی جفت‌واژه‌های هر جمله تشخیص داده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که از میان چهار مقوله واژگانی صفت، اسم، فعل و قید، مقوله صفت فراوانی بیشتری در تشکیل جفت‌واژه‌های متقابل دارد. همچنین، دو جفت‌واژه «چپ-راست» و «بالا-پایین» پربسامدترین جفت‌واژه‌های متقابلند. از سوی دیگر، اطلاعات آماری مربوط به نقش کلامی تقابل حاکی از آن است که برخلاف سه زبان انگلیسی، سوئدی و ژاپنی، که کارکرد کمکی در آنها پربسامدترین کارکرد کلامی به‌شمار می‌آید، این جایگاه در زبان فارسی به کارکرد همپایه اختصاص دارد. فراوانی قابل‌ملاحظه کارکرد اصطلاح در زبان فارسی نشان می‌دهد که یکی از کارکردهای کلامی تقابل واژگانی در زبان فارسی، ساخت اصطلاح و ضرب‌المثل است.

کلیدواژه‌ها: تقابل معنایی، کارکرد کلامی، صفت، زبان فارسی.

1. famianali@yahoo.com

۱- مقدمه

تقابل^۱ به‌عنوان رابطه‌ای مفهومی و واژگانی از اهمیت خاصی در میان زبان‌شناسان، روان‌شناسان و محققان ادبیات برخوردار است. یافته‌های روان‌شناسی زبان نشان می‌دهد که کودک از همان آغاز به‌طور ناخودآگاه جفت‌واژه‌های متقابل را در کنار هم می‌آموزد و اصولاً یادگیری مفهوم یکی از جفت‌واژه‌های متقابل بدون درک واژه متقابل آن غیرممکن و یا دست‌کم دشوار است. به بیان دیگر، درک مفهوم «خوب» صرفاً به‌واسطه درک مفهوم «بد» میسر است و یا به‌محض یادگیری واژه «بالا»، واژه «پایین» نیز فرا گرفته می‌شود (کاگان^۲، ۱۹۸۴: ۱۸۷). نتایج آزمون‌های موسوم به تداعی واژگانی^۳ نیز نشان می‌دهد که هرگاه واژه‌ای به‌عنوان محرک به آزمودنی ارائه شده و از او خواسته شده است تا اولین کلمه‌ای را که به ذهنش می‌رسد بیان کند، چنانچه واژه محرک، متقابلی رایج داشته است، واژه تولیدشده توسط آزمودنی، همان متقابل رایج بوده است (کلارک^۴، ۱۹۷۰: ۲۷۵). تقابل در آثار ادبی نیز جایگاه شاخصی دارد و محققان ادبی معتقدند این رابطه واژگانی (که البته در آثار پژوهشی ادبی اغلب تضاد نامیده می‌شود)، در بسیاری از موارد نقش ابزاری بلاغی را بازی می‌کند (یوسفی و ابراهیمی‌شهرآباد، ۱۳۹۱: ۱۲۹). تقابل در شکل‌گیری استعاره‌های زبانی نیز سهم عمده‌ای دارد. لیکاف^۵ و جانسون^۶ (۱۹۸۰: ۱۴) نمونه‌های متعددی از جفت‌واژه‌های متقابل را در استعاره‌های زبان انگلیسی ذکر کرده‌اند، که از آن جمله می‌توان به جفت‌واژه up/down در استعاره (Happy is up; Sad is down) اشاره کرد. جایگاه تقابل در زبان‌شناسی به گونه‌ای است که اغلب درس‌نامه‌های زبان‌شناسی و معناشناسی، فصل یا بخشی را به این موضوع اختصاص داده‌اند (کروز^۷، ۱۹۸۶)، (کارتر^۸، ۲۰۰۲)، (سعید^۹، ۲۰۰۳)، (مورفی^{۱۰}، ۲۰۰۳)، (گریفیث^{۱۱}، ۲۰۰۶)، (ریمر^{۱۲}، ۲۰۱۰)، (لاینز^{۱۳}، ۱۳۸۵) و (صفوی، ۱۳۹۰). گفتنی است در منابع یادشده، صرف‌نظر از برخی تفاوت‌ها در اصطلاح‌شناسی و طبقه‌بندی انواع تقابل، این دیدگاه کلی وجود دارد که تقابل

1. Antonymy
2. J. Kagan
3. word association
4. H. H. Clark
5. G. Lakoff
6. M. Johnson
7. D. A. Cruse

8. R. Carter
9. J. I. Saeed
10. M. L. Murphy
11. P. Griffiths
12. N. Reimer
13. J. Lyons

ناظر بر هرگونه تمایز میان دو واژه است، به طوری که مفهوم یکی از واژه‌ها در نقطه مقابل مفهوم واژه دیگر قرار گرفته باشد (صفوی، ۱۳۹۰: ۱۱۸). به این ترتیب، صفات «روشن/ تاریک»، اسم‌های «موفقیت/ شکست»، افعال «آمدن/ رفتن» و قیدهای «خوشبختانه/ متأسفانه»، نمونه‌هایی از تقابلی محسوب می‌شوند.

با وجود انجام مطالعات گسترده در زمینه مبانی معناشناختی تقابلی و تلاش برای تفکیک انواع مختلف آن، کارکرد کلامی^۱ این رابطه واژگانی در بافت طبیعی زبان کمتر مورد توجه بوده است. شمار مطالعات غیرفارسی در این زمینه ناچیز است و در زبان فارسی نیز تاکنون هیچ مطالعه‌ای اعم از پیکره-بنیاد یا غیر از آن انجام نشده است. جونز^۲ (۲۰۰۲)، جامع‌ترین اثر در زمینه کارکرد کلامی رابطه معنایی تقابلی به‌شمار می‌آید. در پژوهش مذکور، که رویکردی پیکره-بنیاد دارد، ۵۶ جفت‌واژه متقابل زبان انگلیسی در پیکره‌ای از متون روزنامه ایندپندنت^۳، شامل ۲۸۰ میلیون واژه، استخراج شده و کارکرد کلامی کلمات متقابل، شامل صفت، اسم، فعل و قید در ۳۰۰۰ جمله استخراج شده مورد بررسی قرار گرفته است. گفتنی است واحد پژوهش جونز، جمله بوده است، به این معنا که صرفاً جفت‌واژه‌های متقابل، که در یک جمله به‌کار رفته‌اند، به‌عنوان داده‌های تحقیق شناسایی شده‌اند. مهم‌ترین دستاورد مطالعه جونز، معرفی انواع کارکرد کلامی کلمات متقابل در قالب هفت طبقه اصلی است. در ادامه نمونه‌هایی از پیکره انگلیسی مورد استفاده در پژوهش جونز را مرور می‌کنیم:

۱. تقابلی کمکی^۴

بر پایه شواهد ارائه‌شده در جونز (۲۰۰۲)، پربسامدترین کارکرد کلامی واژه‌های متقابل در انگلیسی، تقابلی کمکی است. در این کارکرد، در یک جمله شاهد دو تقابلی هستیم، به طوری که یک جفت‌واژه متقابل به معرفی تقابلی دیگر در جمله کمک می‌کند. برای مثال، در جمله زیر، دو صفت متقابل

1. discourse function
2. S. Jones
3. Independent
4. ancillary

rich و *poor* شرایطی را فراهم کرده‌اند که میان دو واژه *country* و *people* تقابلی اساسی مطرح شود.

As the Governor of Kumomoto province told me, 'This is a *rich country*, with *poor people*' (جونز، ۲۰۰۲: ۴۶).

آن‌طور که استاندار کوموموتو به من گفت «اینجا کشوری ثروتمند با مردمی فقیر است».

۲. تقابل همپایه^۱

دومین تقابل پربسامد در پیکره مطالعه جونز (۲۰۰۲)، تقابل همپایه است که در آن تمایز میان دو عنصر متقابل خنثی می‌شود. شایان ذکر است که خنثی‌سازی اغلب با استفاده از عنصری همپایه‌ساز مانند «و» امکان‌پذیر می‌شود.

Mr. Pierson said he was neither *optimistic* nor *pessimistic* about reaching agreements (همان: ۷۴).

جمله فوق به این واقعیت اشاره دارد که شخص مورد نظر، در خصوص دستیابی به توافق، نه «خوش‌بین» است و نه «بدبین». در واقع، ساختار نحوی جمله (وجود عناصر منفی‌ساز *neither* و *nor*)، شرایطی را فراهم کرده است که دو صفت متقابل *optimistic* و *pessimistic* در یک سطح و اصطلاحاً «همپایه» به‌شمار آیند.

۳. تقابل تفضیلی^۲

در این نوع تقابل، یک عضو از جفت‌واژه متقابل با عضو دیگر مقایسه می‌شود. برای مثال در جمله زیر، اسکناس‌های جدید با قدیمی، از نظر رنگ، مقایسه شده‌اند و تقابلی تفضیلی میان *new bills*

1. coordinated

2. comparative

و old ones مطرح شده است.

The new bills are more colorful than the old ones (همان: ۷۸).

۴. تقابلی متمایز^۱

در این گونه از تقابلی، بر تفاوت و تمایز ذاتی میان معنای دو واژه تأکید می‌شود. در مثال زیر میان بنزین «سرب‌دار» و «بدون سرب» تمایزی ذاتی مطرح شده است.

However, British Petroleum welcomed the increase in the differential between *leaded* and *unleaded* fuel (همان: ۸۱).

۵. تقابلی انتقالی^۲

منظور از تقابلی انتقالی این است که در جفت‌واژه متقابل شاهد جابه‌جایی یا تغییر از یک مکان یا حالت به مکان یا حالتی دیگر هستیم. در مثال زیر، تقابلی میان جفت‌واژه *success* و *failure* از نوع انتقالی است زیرا وضعیت شغلی فرد مورد نظر از موفقیت به شکست تغییر کرده است.

Her film career similarly has lurched from *success* to *failure*, with enormous periods out of work (همان: ۸۵).

۶. تقابلی منفی^۳

در تقابلی منفی، چنانکه از نام آن پیداست، یکی از عناصر تقابلی با عنصر منفی‌ساز همراه می‌شود تا مفهوم عنصر دیگر تقویت شود.

1. distinguished
2. transitional
3. negated

Government must play an *active*, not *passive*, role in addressing the problems of the day (همان: ۸۸).

۷. تقابل اصطلاحی^۱

در تقابل اصطلاحی شاهد استفاده از یک جفت‌واژه متقابل (come/go) در قالب اصطلاح، ضرب‌المثل یا عبارت کلیشه‌ای هستیم، مانند مثال زیر:

Easy come, easy go (همان: ۹۳).

شایان ذکر است که در طبقه‌بندی جونز (۲۰۰۲)، در مواردی شاهد همپوشی هستیم. برای مثال، تقابل اصطلاحی فوق را می‌توان به اعتبار تکرار واژه easy نوعی تقابل همپایه نیز در نظر گرفت. سه نوع کارکرد کلامی باقی‌مانده در طبقه‌بندی جونز (۲۰۰۲)، شامل کارکردهای پرسشی^۲، افراطی^۳ و سایر^۴، درصد ناچیزی از پیکره را به خود اختصاص داده‌اند. منظور از طبقه‌سایر، انواع مواردی است که زیر هیچ‌یک از طبقات پیش‌تر اشاره‌شده جای نگرفته‌اند.

با الهام از مطالعه جونز (۲۰۰۲)، تاکنون دو پژوهش عمده در خصوص کارکرد کلامی تقابل واژگانی انجام شده است. مورفی^۵ و همکاران (۲۰۰۹)، به منظور امکان مقایسه یافته‌های خود با جونز (۲۰۰۲)، معادل سوئدی ۵۶ جفت‌واژه مورد مطالعه جونز را در پیکره سوئدی اسپراکبانکن^۶ (بانک سخن) جستجو کرده‌اند. پیکره مذکور شامل بیش از ۱۹ میلیون واژه مستخرج از رمان‌ها، روزنامه‌ها، نشریات و مطالب اینترنتی منتشرشده در فاصله زمانی ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۶ است. در این مطالعه، ۴۳۶۶ جمله شامل جفت‌واژه‌های متقابل مورد نظر محققان شناسایی شد، که از این میان ۸۲٪ مربوط به صفات، ۱۰٪ افعال، ۶٪ اسم و ۲٪ قید هستند. مورفی و همکاران پس از استخراج داده‌ها و انجام محاسبات آماری دریافتند که در پیکره سوئدی نیز تقابل کمکی و تقابل همپایه، دو

1. idiom
 2. interrogative
 3. extreme
 4. residual
 5. M.L. Murphy
 6. <http://spraakbanken.gu.se/parole/>

کارکرد کلامی رایج به‌شمار می‌آیند، با این تفاوت که در سوئدی، تقابل کمکی بیش از انگلیسی و تقابل همپایه کمتر از آن است.

در پژوهشی دیگر، مولیسن^۱ و ایسونو^۲ (۲۰۰۹) کارکرد کلامی صفات متقابل در زبان ژاپنی را ارزیابی کرده‌اند. از آن‌جا که ملاحظات ساختوازی و نحوی در ژاپنی با انگلیسی تفاوت دارد، محققان پژوهش مذکور از ترجمه یا معادل‌یابی ۵۶ جفت‌واژه انگلیسی در ژاپنی صرف‌نظر کرده‌اند و به جای آن، ۱۲ جفت‌واژه از مقوله صفت را انتخاب کرده و از پیکره‌های ژاپنی، شامل ۲۵۳ میلیون واژه، ۶۰۰ جمله را استخراج کرده‌اند. یافته‌ها نشان داد، مانند پیکره انگلیسی و سوئدی، در پیکره ژاپنی نیز پرسامدترین کارکردهای کلامی تقابل از نوع تقابل کمکی و همپایه‌اند. (درصد انواع کارکرد کلامی تقابل در سه زبان انگلیسی، سوئدی، و ژاپنی، همراه با یافته‌های پژوهش حاضر در زبان فارسی در بخش ۲-۳ مقاله حاضر درج شده است).

پس از مرور پژوهش‌های مربوط به کارکرد کلامی تقابل، اینک می‌کوشیم نقش کلامی این رابطه معنایی را در زبان فارسی بررسی کنیم. در پژوهش حاضر به سه پرسش کلیدی پاسخ می‌دهیم:

۱. سهم مقولات واژگانی شامل صفت، اسم، فعل و قید در تقابل معنایی متون زبان فارسی به چه میزان است؟
۲. پرسامدترین جفت‌واژه‌های متقابل در زبان فارسی کدامند؟
۳. آیا کارکرد کلامی تقابل در زبان فارسی با کارکرد این رابطه واژگانی در سایر زبان‌ها از الگویی مشابه تبعیت می‌کند؟

۲- روش پژوهش

به منظور پاسخ به پرسش‌های فوق، محقق می‌کوشد، با الهام از طبقه‌بندی جونز (۲۰۰۲)، کارکرد کلامی تقابل واژگانی را در ۱۰۰۰ جمله زبان فارسی ارزیابی کند. به این منظور مجموعه‌ای متنوع از متون مکتوب فارسی، شامل درس‌نامه‌های آموزشی مانند کتاب «تعلیمات اجتماعی» چهارم ابتدایی آموزش و پرورش، آثار ادبی از جمله «سه تار» اثر جلال آل احمد و «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» اثر زویا پیرزاد، متون اداری و حقوقی مانند «آیین‌نامه دریافت پروانه نشریات وزارت

1. V. Muehleisen
2. M. Isono

ارشاد»، و متون مطبوعاتی مانند روزنامه «اطلاعات» مورخ چهارم اسفند ۱۳۹۲ و نظایر آن مدنظر قرار گرفته است. در انتخاب متون تلاش شده است از سبک‌های مختلف رسمی، غیررسمی، مطبوعاتی، ادبی، اداری و غیره نمونه‌ای در پیکره پژوهش گنجانده شود. البته تمام موارد گنجانده شده از گونه نوشتاری هستند و از گونه شفاهی زبان فارسی نمونه‌گیری صورت نگرفته است. پژوهش حاضر، به لحاظ روش‌شناسی، با مطالعات معرفی‌شده در بخش اول مقاله، دو تفاوت عمده دارد. نخست اینکه محقق از پیکره‌های الکترونیک استفاده نکرده است و روند جست‌وجو، شناسایی و استخراج داده‌ها به صورت دستی انجام شده است. نکته دیگر اینکه در پژوهش حاضر، محقق به فهرستی از قبل طراحی‌شده، شامل کلمات متقابل اکتفا نکرده است، بلکه هر جفت‌واژه‌ای را، که ویژگی تقابل در جفت‌واژه وجود داشته است و آنها در یک جمله به کار رفته‌اند (اعم از صفت، اسم، فعل یا قید)، به عنوان داده تحقیق استخراج کرده است. به این ترتیب، ۱۰۰۰ جمله واجد شرایط (جملاتی که هر یک شامل یک جفت‌واژه متقابلند)، از ۱۶ متن مکتوب در زبان فارسی استخراج گردید.

۳- یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا نمونه‌هایی از جفت‌واژه‌های متقابل استخراج‌شده از پیکره غیرالکترونیکی مورد استفاده در پژوهش حاضر را مرور می‌کنیم و سپس اطلاعات آماری مربوط به داده‌ها ارائه می‌شود.

۳-۱- مرور چند نمونه از پیکره

۳-۱-۱- تقابل کمکی

در پیکره پژوهش حاضر شمار قابل توجهی تقابل کمکی مشاهده شد. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، در تقابل کمکی، یک جفت‌واژه متقابل به ایجاد تقابل میان دو واژه یا عبارت دیگر در جمله کمک می‌کند. برای مثال، در جمله زیر، که عیناً از کتاب «تعلیمات اجتماعی» سال چهارم ابتدایی گرفته شده است، دو فعل مرکب آغاز می‌شود و به پایان می‌رسد، کارکرد تقابل کمکی دارند، زیرا باعث شده‌اند میان دو گروه اسمی «روز اول فروردین» و «آخرین روز اسفند» تقابلی بنیادی ایجاد شود. به

بیان دیگر، دو فعل مرکب مذکور به تمایز یا تقابلی بیشتر میان دو گروه اسمی کمک کرده‌اند.

- سال ایرانی (شمسی) از روز اول فروردین آغاز می‌شود و در آخرین روز اسفند به پایان می‌رسد (تعلیمات اجتماعی، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

همین وضعیت در مثال زیر در خصوص اسم‌های دوری و نزدیکی صدق می‌کند، زیرا این دو اسم به تشبیت تقابلی اساسی میان «کاخ سفید» و «کرم‌لین» کمک کرده‌اند.

- دوری از کاخ سفید و نزدیکی به کرم‌لین، پیام دیگری نیز می‌تواند برای مردم مصر داشته باشد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۲: ۱۲).

تقابل کمکی فقط به دو مقوله فعل و اسم اختصاص ندارد. برای مثال، دو صفت راست و چپ در جمله زیر شرایطی را فراهم کرده‌اند که تمایز میان «رسم‌الخط عربی» و «نگارش فارسی» برجسته شود.

- در سمت راست رسم الخط عربی و در سمت چپ نگارش فارسی آمده است (بهزادی، ۱۳۸۳: ۴).

دو قید دیروز و امروز هم، در جمله زیر، کارکرد کمکی دارند، زیرا به تمایز و تقابلی میان دو بند «توجه کسی را جلب نمی‌کرد» و «پدیده‌ای فرهنگی و شایسته تحقیق تلقی می‌شود» کمک کرده‌اند.

- خلاصه بسیاری از چیزهایی که تا دیروز توجه کسی را جلب نمی‌کرد، امروز پدیده‌ای فرهنگی و شایسته تحقیق تلقی می‌شود (مجله رادیو، ۱۳۸۸: ۸۸).

۳-۱-۲- تقابلی همپایه

در تقابلی همپایه، چنانکه از نام آن پیداست، دو واژه متقابل، وزنی یکسان و همپایه دارند. در مواردی، قید «هم» در جمله، از وجود تقابلی همپایه میان دو واژه متقابل خبر می‌دهد، مانند دو جمله زیر که در آن قید «هم» بر همپایگی دو صفت (قدیمی و جدید)، و همپایگی دو اسم (غم و شادی) تأکید می‌کند.

- متن‌های داستانی زیاد خوانده‌ام. هم قدیمی، هم جدید (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۰).

- صورتش هم غم داشت، هم شادی (همان: ۳۰).

مثال زیر تقابل همپایه را میان دو فعل نشان می‌دهد.

• نه می‌گفتی بمان و نه می‌گفتی برو (شجاعی، ۱۳۸۶: ۳۰).

دقت در برخی جملات شامل تقابل همپایه نشان می‌دهد که در مواردی هدف از کاربرد این گونه جفت‌واژه‌ها اشاره به کل هستینه‌های مورد بحث است. برای مثال در جمله زیر دو صفت «دیداری» و «شنیداری»، کارکرد کلامی همپایه دارند. در جمله زیر، منظور نویسنده از «رسانه‌های الکترونیکی دیداری و شنیداری»، تمام رسانه‌های الکترونیکی است. به بیان دقیق‌تر، در این جمله به تمام هستینه‌های مربوط به مقوله رسانه‌های الکترونیکی اشاره شده است.

• رسانه‌های الکترونیکی دیداری و شنیداری، این امکان را فراهم می‌کنند که ... (چکیده مقالات، ۱۳۹۰: ۷۴).

۳-۱-۳- تقابل تفضیلی (یا عالی)

در تقابل تفضیلی، جفت‌واژه‌های متقابل با پسوند تفضیلی (یا عالی) همراه می‌شوند. گفتنی است این تقابل صرفاً در میان صفات دیده می‌شود.

• زمانی که تفکرات بازیگر صحبت می‌کنند صدا به میکروفن نزدیک‌تر است، ولی در جایگاه دیالوگ‌گویی، فاصله دورتر است (مجله رادیو، ۱۳۸۸: ۳۵).

• گرم‌ترین و سردترین ماه‌های سال کدام‌اند؟ (تعلیمات اجتماعی، ۱۳۹۲: ۳۴).

• در سلسله مراتب واحدها، گروه، پایین‌تر از بند و بالتر از کلمه قرار می‌گیرد (باطنی، ۱۳۷۰: ۱۱۰).

۳-۱-۴- تقابل ممیز

تقابل ممیز نیز در مقولات واژگانی مختلف مانند صفت، اسم، فعل و قید مشاهده شد. در این نوع تقابل، اهل زبان بر مشخصه‌های معنایی تمایزدهنده دو عنصر تشکیل‌دهنده جفت‌واژه تأکید می‌کنند. در زیر چند نمونه از تقابل ممیز شناسایی شده در پیکره را مرور می‌کنیم:

• ما که انگلیسی نیستیم، هستیم؟ (پیرزاد، ۱۳۸۰: ۷۱).

- زبان انگلیسی به تمایز بین دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع بی‌اعتنا است (باطنی، ۱۳۷۰: ۳۳).
- صبح فردا برخلاف دیروز، همه جا ساکت و آرام بود (لطف‌الله، ۱۳۸۶: ۱۲۰).
- اصلاً از پس این همه سال کی می‌داند کدام حق است و کدام باطل (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۰۸).
- حضرت ولی عصر (عج) دو غیبت داشت: غیبت صغری و غیبت کبری (سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۹۳: ۱۵۸).
- خداوند به انسان‌ها در مقایسه با بقیه جانوران نعمت‌های بزرگی اعطا کرده است (تعلیمات اجتماعی، ۱۳۹۲: ۷۱).
- من به مهمونات جسارت نکردم، کردم؟ (شجاعی، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

۳-۱-۵- تقابلی انتقالی

در پیکره پژوهش حاضر مواردی از تقابلی انتقالی نیز مشاهده شده است. برای مثال در جمله زیر، اسم «اول» به آغاز یک رویداد (در این جا برنامه) و اسم «آخر» به پایان آن رویداد اشاره می‌کند. نویسنده این جمله مرحله گذار و انتقال از یک مفهوم (اول) به مفهومی دیگر (آخر) را مورد تأکید قرار داده است.

- مخاطب کسی است که از اول تا آخر برنامه، همراه آن است (مجله رادیو، ۱۳۸۸: ۳۹).
- مثال زیر نیز قطعه‌ای از یک شعر است، که در یک مجله خانوادگی آمده است. در این مثال، اصطلاحاً «زود»، «دیر» می‌شود، یعنی شاهد گذار و انتقال از یک وضعیت (زود) به وضعیتی جدید (دیر) هستیم.

- ناگهان چه زود دیر می‌شود (مجله خانواده سبز، ۱۳۹۲: ۳۵).

در مثال بعدی، بار دیگر شاهدیم که یک وضعیت (سکوت) جای خود را به وضعیتی دیگر (جنجال) می‌دهد.

- ...و سکوت آرامش آور شب را با جنجال تحمل‌ناپذیر خود می‌انباشند (آل احمد، ۱۳۸۶: ۱۰۶).
- گفتنی است که یک جفت‌واژه متقابل ممکن است کارکردهای کلامی متفاوتی داشته باشد. برای مثال جفت‌واژه صبح - شب را در نظر می‌گیریم. در مثال زیر، این دو جفت‌واژه کارکرد تقابلی

- همپایه دارند و حرف ربط «و» به القای این همپایگی کمک می‌کند:
- خدا را شکر صبح و شب در تلاشم که همهٔ کسانی را که اعتیاد دارند راهنمایی کنم ... (مجلهٔ خانواده سبز، ۱۳۹۲: ۷۶).
 - برعکس، در مثال زیر، جفت‌واژهٔ صبح/شب، تقابل انتقالی دارند، زیرا عبارت «از صبح تا شب» به گذار و انتقال از یک مقطع زمانی به مقطع زمانی دیگر اشاره دارد.
 - یعنی کاری می‌کند مامان که از صبح تا شب به بچگی‌های خودم بدوبیراه بگم!! (مجلهٔ خانواده سبز، ۱۳۹۲: ۵۴).

۳-۱-۶- تقابل منفی

- در تقابل منفی، صورت متقابل یک واژه با استفاده از عناصر منفی‌ساز، مانند «نا»، «غیر»، «عدم» و نظایر آن، ساخته می‌شود و هر دو واژه در یک جمله به کار می‌روند. صورت منفی افعال نیز با عنصر منفی «ن» ساخته می‌شود، مانند «نیست» در برابر «است»، یا «نمی‌خواستم» از «می‌خواستم». در زیر به نمونه‌هایی از تقابل منفی استخراج‌شده از پیکره را مرور می‌کنیم:
- در اینجاست که برای تشخیص صحت‌وسقم یافته‌ها و حقایق عرفانی عارفان، نیازمند معیار و ملاکی هستیم تا بر اساس آن، شهودهای صحیح را از ناصحیح بازشناسیم (سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۹۳: ۳۹).
 - گاهی نیز انتخاب عناصر، انتخاب یا عدم انتخاب پاره‌ای عناصر دیگر را اجباری می‌کند (باطنی، ۱۳۷۰: ۴۰).
 - از این رو، در کشور ما، در محافل دانشگاهی و غیردانشگاهی، جغرافیا در مقایسه با سایر علوم مشابه، حضوری کم‌رنگ و بی‌جلوه دارد (نشریهٔ جغرافیا، ۱۳۹۱: ۲۲۶).
 - گفت باید منتظر بمانیم برای یک جفت چشم و نگفت که این انتظار خیلی طول نمی‌کشد (شجاعی، ۱۳۸۶: ۱۳).

۳-۱-۷- تقابل اصطلاحی

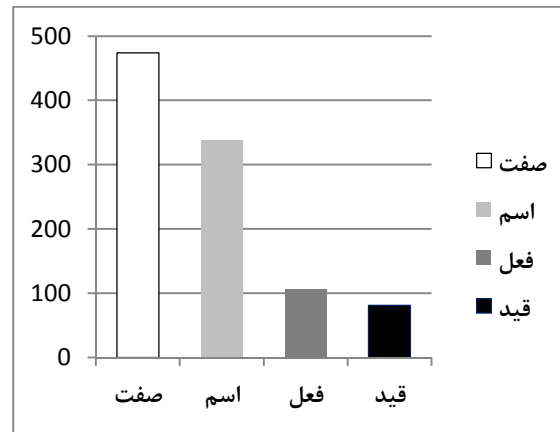
در پیکره پژوهش، موارد متعددی از جفت‌واژه‌های متقابل مشاهده شد که در قالب اصطلاح به کار رفته‌اند. شماری از جفت‌واژه‌های متقابل اصطلاحی از بسامد نسبتاً زیادی برخوردارند، مانند جفت‌واژه «کم/بیش»، که ۱۶ بار در کل پیکره آمده است.

- یکی بود یکی نبود (پیرزاد، ۱۳۸۰: ۱۹).
- باز از کاه کوه ساختی؟ (پیرزاد، ۱۳۸۰: ۱۵۰).
- تا یکشنبه هزاربار مردم و زنده شدم (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۹).
- می‌دونم که هیچ ربطی به هم نداریم ولی شب‌وروز ندارم (مجله خانواده سبز، ۱۳۹۲: ۸۵).
- این قوه کم‌وبیش در همه انسان‌ها وجود دارد (سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۹۳: ۱۱۳).
- ... بعضی هم به دادوستد می‌پرداختند (تعلیمات اجتماعی، ۱۳۹۲: ۷۸).
- این مطلب را آن‌وقت‌ها همین‌طور بفهمی نفهمی درک می‌کردم (آل‌احمد، ۱۳۸۶: ۸۳).

۳-۲- یافته‌های آماری

در بررسی متون گردآوری‌شده، محقق در ۱۰۰۰ جمله با جفت‌واژه‌های متقابل روبرو شد. با توجه به این که مواردی از این جفت‌واژه‌ها تکراری بودند، در این ۱۰۰۰ جمله، ۴۸۰ مورد جفت‌واژه متقابل (بدون در نظر گرفتن موارد تکراری)، استخراج شد که از این میان، مقوله صفت با ۲۰۹ جفت‌واژه در رتبه نخست و مقولات اسم و فعل با فراوانی ۱۷۹ و ۶۵ به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. همچنین، ۲۷ جفت‌واژه قید در پیکره شناسایی گردید. اعداد مذکور صرفاً فراوانی خام جفت‌واژه‌ها در هریک از مقولات چهارگانه صفت، اسم، فعل و قید را نشان می‌دهند. با توجه به اینکه اغلب جفت‌واژه‌های شناسایی‌شده، بیش از یک‌بار در پیکره به کار رفته‌اند، یکی از اهداف پژوهش حاضر بررسی و مقایسه سهم مقولات واژگانی در کل پیکره است، و به همین دلیل موارد تکراری نیز مدنظر بوده است. شمارش داده‌ها نشان می‌دهد از ۱۰۰۰ جمله پیکره، ۴۷۴ جمله (۴۷.۴ درصد)، جفت‌واژه‌هایی از مقوله صفت دارند. این عدد در خصوص مقوله اسم ۳۳۸ (۳۳.۸ درصد)، در خصوص مقوله فعل ۱۰۷ (۱۰.۷ درصد) و در مورد مقوله قید ۸۱ جمله (۸.۱ درصد) است. به این

ترتیب، حدود نیمی از ۱۰۰۰ جمله پیکره پژوهش، از جفت‌واژه‌های صفت تشکیل شده‌اند. نمودار زیر سهم هریک از مقولات چهارگانه صفت، اسم، فعل و قید را در شکل‌گیری و کاربرد جفت‌واژه‌های تقابل نشان می‌دهد.



نمودار ۱- فراوانی تقابل به تفکیک مقولات واژگانی

بسیاری از جفت‌واژه‌های استخراج‌شده، صرفاً یک، دو، سه یا چهار بار در پیکره به کار رفته‌اند، اما شمارش داده‌ها نشان می‌دهد از مجموع ۴۸۰ جفت‌واژه متقابل، فراوانی ۱۶ جفت‌واژه قابل ملاحظه است. مجموع فراوانی ۱۶ جفت‌واژه مورد نظر، معادل ۲۲۲ است. به این ترتیب، حدود ۲۲/۲ درصد از کل فراوانی جفت‌واژه‌های پیکره پژوهش حاضر، صرفاً از ۱۶ جفت‌واژه تشکیل شده‌اند. در جدول زیر جفت‌واژه‌های پربسامد معرفی شده‌اند. گفتنی است که در جدول زیر، منظور از عدد ۲۷ در مقابل جفت‌واژه «چپ-راست» این است که در کل پیکره (شامل ۱۰۰۰ جمله)، ۲۷ جمله جفت‌واژه «چپ - راست» دارند.

در خصوص یافته‌های مندرج در جدول زیر، ذکر دو نکته ضروری است. نخست اینکه دو جفت‌واژه پربسامد (شامل چپ-راست و بالا-پایین)، هردو در زمره صفات و قیدهایی ناظر بر محورهای جغرافیایی و مکانی‌اند. نکته دیگر اینکه داده‌های زیر، تقابل را صرفاً در پیکره پژوهش حاضر بازتاب می‌دهند، و با اینکه در انتخاب پیکره تلاش شده است تا تنوعی از منابع خبری، آموزشی، علمی و ادبی مدنظر باشد، با بررسی پیکره‌ای دیگر احتمالاً موارد دیگری به‌عنوان

جفت‌واژه‌های پربسامد، شناسایی و استخراج می‌شوند.

جدول ۱- جفت‌واژه‌های پربسامد در پیکره

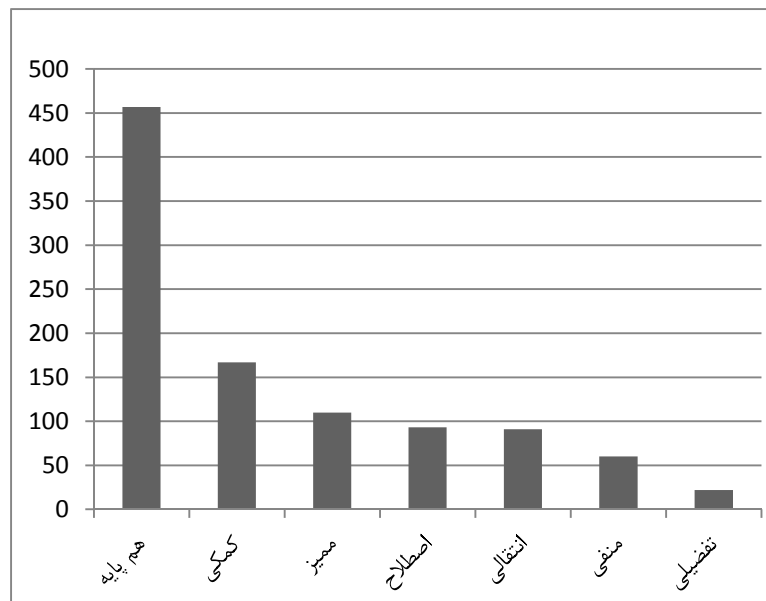
جفت‌واژه	فراوانی		جفت‌واژه	فراوانی
۱ چپ - راست	۲۷	۹	شهر - روستا	۱۱
۲ بالا - پایین	۲۳	۱۰	است - نیست	۱۱
۳ بزرگ - کوچک	۱۶	۱۱	افزایش - کاهش	۱۱
۴ صبح - شب	۱۶	۱۲	پدر - مادر	۱۰
۵ مفرد - جمع	۱۶	۱۳	داخلی - خارجی	۱۰
۶ کم - بیش	۱۶	۱۴	فردی - اجتماعی	۱۰
۷ رفت - آمد	۱۵	۱۵	زن - شوهر	۹
۸ روز - شب	۱۲	۱۶	دختر - پسر	۹
مجموع				۲۲۲

جدول شماره ۲، فراوانی انواع کارکردهای کلامی تقابلی در پیکره مطالعه حاضر را به تفکیک چهار مقوله واژگانی صفت، اسم، فعل و قید نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که برخلاف نتایج حاصل از مطالعات مشابه در انگلیسی، سوئدی و ژاپنی، در زبان فارسی بیشترین کارکرد کلامی تقابلی از نوع همپایه است. دیگر یافته قابل ملاحظه نیز فراوانی نسبتاً زیاد کارکرد اصطلاحی است.

جدول ۲- انواع کارکردهای تقابلی به تفکیک مقولات واژگانی

کارکرد کلامی در ۱۰۰۰ جمله	کمکی	همپایه	تفضیلی	ممیز	انتقالی	منفی	اصطلاح	مجموع
صفت	۸۶	۲۱۲	۲۲	۷۵	۳۰	۲۸	۲۱	۴۷۴
اسم	۵۰	۱۸۷	-	۲۶	۴۱	۴	۳۰	۳۳۸
فعل	۱۸	۲۹	-	۶	۴	۲۸	۲۲	۱۰۷
قید	۱۳	۲۹	-	۳	۱۶	-	۲۰	۸۱
مجموع	۱۶۷	۴۵۷	۲۲	۱۱۰	۹۱	۶۰	۹۳	۱۰۰۰

نمودار زیر تصویری از نسبت فراوانی هفت کارکرد کلامی تقابل را نشان می‌دهد.



نمودار ۲- فراوانی انواع کارکرد کلامی تقابل در زبان فارسی

برای مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های مطالعات انجام‌شده، در خصوص کارکرد کلامی تقابل در زبان‌های انگلیسی، سوئدی و ژاپنی، درصد فراوانی انواع کارکرد کلامی مشاهده‌شده در چهار زبان مورد نظر، در جدول زیر درج شده است. شایان ذکر است که مجموع درصد کارکردهای کلامی تقابل در مطالعات مربوط به انگلیسی، سوئدی و ژاپنی، ۱۰۰ نیست، زیرا در پژوهش‌های مذکور، در پیکره‌های سه زبان مورد نظر، مواردی مشاهده شده‌اند که زیر هیچ‌یک از هفت نوع کارکرد مندرج در جدول شناسایی نشده‌اند. این درصد در خصوص انگلیسی ۵/۷، سوئدی ۱۳/۶ و ژاپنی ۱۲/۵ است.

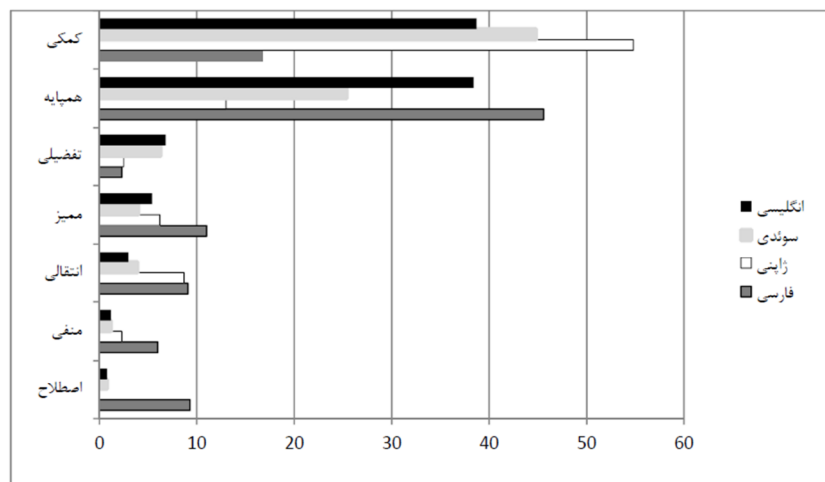
با دقت در اطلاعات آماری مندرج در جدول، و همچنین با نگاهی اجمالی به نمودار زیر، با نکات جالب‌توجهی مواجه می‌شویم. مهم‌ترین نکته این است که بجز دو کارکرد کمکی و تفضیلی، درصد

کارکرد کلامی تقابلی واژگانی در زبان فارسی | ۷۱

پنج کارکردِ تقابلی واژگانی شامل همپایه، ممیز، انتقالی، منفی و اصطلاح، در زبان فارسی، بیش از سایر زبان‌هاست. مطابق با یافته‌های پژوهش، کارکرد کلامی همپایه و اصطلاحی در زبان فارسی به میزان چشمگیری از سایر زبان‌ها بیشتر است، به طوری که مجموع این دو کارکرد (۵۴/۹ درصد) نشان می‌دهد که بیش از نیمی از جفت‌واژه‌های متقابل در زبان فارسی اصولاً همپایه‌سازند یا در ساخت اصطلاح و ضرب‌المثل به کار می‌روند.

جدول ۳- درصد فراوانی انواع کارکرد کلامی تقابلی در چهار زبان انگلیسی، سوئدی، ژاپنی و فارسی

تفصیلی	اصطلاح	منفی	ممیز	انتقالی	همپایه	کمکی	
انگلیسی (جونز، ۲۰۰۲)	۰/۸	۱/۲	۵/۴	۳	۳۸/۴	۳۸/۷	
سوئدی (مورفی و همکاران، ۲۰۰۹)	۰/۸	۱/۲	۴	۳/۹	۲۵/۴	۴۴/۸	
ژاپنی (مولیسن و ایسونو، ۲۰۰۹)	-	۲/۳	۶/۲	۸/۷	۱۳	۵۴/۸	
فارسی (پژوهش حاضر)	۹/۳	۶	۱۱	۹/۱	۴۵/۶	۱۶/۷	



نمودار ۳- مقایسه انواع کارکرد کلامی تقابلی در چهار زبان انگلیسی، سوئدی، ژاپنی و فارسی

۴- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، پس از معرفی انگاره نظری جونز (۲۰۰۲)، در تشخیص نقش و کارکرد کلامی تقابل واژگانی، ابتدا پیکره‌ای از متون مکتوب در زبان فارسی تهیه شد و سپس جفت‌واژه‌های متقابل در ۱۰۰۰ جمله از پیکره شناسایی شد. اکنون با مرور یافته‌ها به پرسش‌های پژوهش پاسخ می‌دهیم. در پاسخ به پرسش اول، که پیش‌تر در بخش مقدمه مقاله مطرح شد، باید گفت که سهم هریک از مقولات چهارگانه واژگانی (صفت، اسم، فعل و قید) در تشکیل جفت‌واژه‌های متقابل متفاوت است، به طوری که ۴۷/۴ درصد جفت‌واژه‌ها از مقوله واژگانی صفت هستند، و این عدد در خصوص مقولات اسم، فعل و قید به ترتیب ۳۳/۸، ۱۰/۷ و ۸/۱ است. به این ترتیب، حدود نیمی از نمونه‌های تقابل واژگانی مشاهده‌شده در پیکره، از نوع صفت هستند.

شمارش دقیق داده‌ها، امکان ارائه پاسخ به پرسش دوم پژوهش را میسر ساخته است، زیرا مشخص شد که جفت‌واژه «چپ-راست» و جفت‌واژه «بالا-پایین» پربسامدترین جفت‌واژه‌های متقابلند. نکته جالب توجه این که جفت‌واژه‌هایی به ظاهر پرکاربرد، مانند «خوب-بد»، در فهرست جفت‌واژه‌های متقابل استخراج‌شده از پیکره جایی ندارند. بی‌تردید، توجه به فهرست مذکور می‌تواند برای طراحان و مؤلفان منابع آموزش زبان فارسی مفید و راه‌گشا باشد، زیرا یکی از الزامات تسلط زبان‌آموز به واژگان یک زبان، تسلط او به روابط معنایی و مفهومی میان کلمات نیز است.

برای پاسخ به پرسش سوم، ناچاریم اطلاعات آماری جدول ۲ را مرور کنیم. مرور داده‌ها نشان می‌دهد که کارکرد کلامی همپایه، پربسامدترین نوع تقابل به‌شمار می‌آید و کارکرد تفضیلی نیز کم‌بسامدترین نوع محسوب می‌شود.

در خصوص مقایسه کارکرد کلامی تقابل در زبان فارسی با سایر زبان‌ها، با تکیه بر داده‌های جدول ۳ و نیز نمودار ۳ متوجه برخی شباهت‌ها می‌شویم. برای مثال، درصد دو کارکرد کمکی و همپایه در هر چهار زبان نسبتاً بالاست، با این تفاوت که در سه زبان انگلیسی، سوئدی و ژاپنی، کارکرد کلامی همپایه پربسامدترین کارکرد به‌شمار می‌آید، در حالی که در فارسی رتبه نخست به کارکرد همپایه اختصاص دارد. از این نظر، زبان فارسی با سه زبان دیگر تفاوت بنیادی دارد. دیگر تفاوت قابل توجه این است که در زبان فارسی، فراوانی پنج کارکرد کلامی، شامل همپایه، ممیز،

انتقالی، منفی و اصطلاح، بیش از سه زبان انگلیسی، سوئدی، و ژاپنی است. ذکر این نکته ضروری است که مقایسه کنونی و اشاره به برخی تفاوت‌ها و شباهت‌ها، جنبه‌ای کاملاً غیرقطعی دارد، زیرا اولاً حجم پیکره‌های مورد استفاده در این مطالعات تفاوت دارد و ثانیاً به دلیل تفاوت در نظام واژگانی زبان‌های فارسی، انگلیسی، سوئدی و ژاپنی، روش‌شناسی پژوهش حاضر با الگوهای مورد استفاده در سایر زبان‌ها یکسان نیست. با این همه، می‌توان به طور تقریبی، و البته احتیاط‌آمیز، نتیجه گرفت که الگوی کلی کارکرد کلامی تقابلی در زبان فارسی با سه زبان دیگر تفاوت‌هایی دارد. بی‌تردید، با انجام پژوهش‌های دیگر، در مقیاس پیکره‌ای بزرگ‌تر، می‌توان با اطمینان بیشتری در خصوص کارکرد کلامی تقابلی در زبان فارسی و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن با کارکردهای کلامی تقابلی در سایر زبان‌ها به بحث و بررسی پرداخت.

منابع

- آل احمد، جلال (۱۳۸۶). سه‌تار. تهران: انتشارات جامعه‌دران.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۰). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. تهران: امیرکبیر.
- بهزادی، بهزاد (۱۳۸۳). فصلنامه بین‌المللی آذری (ویژه‌نامه درباره نگارش زبان آذربایجانی)، مهرماه.
- پیرزاد، زویا (۱۳۸۰). چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، تهران: نشر مرکز.
- تعلیمات اجتماعی چهارم، دوره ابتدایی (۱۳۹۲). تهران: آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.
- چکیده مقالات نخستین همایش بین‌المللی گسترش زبان و ادبیات فارسی: چشم‌انداز، راهکارها و موانع (۱۳۹۰). به کوشش رضامراد صحرایی. شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، دی‌ماه.
- حسینی، محمد (۱۳۸۳). آبی‌تر از گناه. تهران: ققنوس.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۹۲). ۴ اسفند.
- سبحانی، جعفر و محمد محمدرضایی (۱۳۹۳). اندیشه اسلامی ۲. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شجاعی، سیدعلی (۱۳۸۶). ستاره‌هایی که خیلی دور نیستند. تهران: انتشارات کتاب نیستان.
- صفوی، کورش (۱۳۹۰). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: انتشارات سوره مهر.

لایزنز، جان (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان شناختی*. ترجمه حسین واله. تهران: انتشارات گام نو.

لطف‌الله، داود (۱۳۸۶). *قصه‌های شیرین کلیلہ و دمنہ*. تهران: پیدایش.

مجله خانواده سبز (۱۳۹۲). س ۱۵، ش ۳۹۳ و ۳۹۴، بهمن.

مجله رادیو. ماهنامه علمی تخصصی صدای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸). ش ۴۶، تیرماه.

نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز (۱۳۹۱). س ۱۵، ش ۴۱، بهار.

یوسفی، محمدرضا، و رقیه ابراهیمی شهرآباد (۱۳۹۱). *تضاد و انواع آن در زبان فارسی*. دوفصلنامه علمی - پژوهشی فنون ادبی، دانشگاه اصفهان، س ۴، ش ۲ (پیاپی ۷)، ۱۵۴ - ۱۲۹.

Carter, R. (2002). *Vocabulary: Applied Linguistic Perspectives*. (2nd Edition). Routledge.

Clark, H.H. (1970). 'Word Associations and Linguistic Theory'. in J. Lyons (ed.) *New Horizons in Linguistics*. London: Penguin.

Cruse, D. A. (1986). *Lexical Semantics*. Cambridge University Press.

Griffiths, P. (2006). *An Introduction to English Semantics and Pragmatics*. Edinburgh University Press.

Jones, S. (2002). *Antonymy: A Corpus-based Perspective*. Routledge.

Kagan, J. (1984). *The Nature of the Child*. New York: Basic Books.

Lakoff, G. & M. Johnson (1980). *Metaphors We Live by*. Chicago: University of Chicago Press.

Muehleisen, V. & M. Isono (2009). 'Antonymous Adjectives in Japanese Discourse'. *Journal of Pragmatics*, 41, 2185-2203.

Murphy, M. L. (2003). *Semantics Relations and the Lexicon*. Cambridge: Cambridge University Press.

Murphy, M. L. & C. Paradis & C. Willers & S. Jones (2009). 'Discourse Function of Antonymy: A Cross-linguistic Investigation of Swedish and English'. *Journal of Pragmatics*, Vol. 41 (11), 2159-2184.

Reimer, N. (2010). *Introducing Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.

Saeed, J. I. (2003). *Semantics*. (2nd Edition). Blackwell Publishing.